

متن پیاده سازی شده جلسه هفتم خارج اصول فقه (دور دوم) 21 اسفند ماه 1400

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس اخلاق

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ لَا يَلْحَقُهُ الْعَذَابُ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (آل عمران 135)

بحث ما در مظاهر ضد عقل بود. بحث بسیار خوبی است. وقتی این آیه نازل شدن ابلیس در جمع جنود خود گفت که با نزول این آیه کاری نمی توانیم انجام دهیم. آیه هم در باره متقین است. ابلیس از دو جهت لذت می برد یکی اینکه انسانی را گمراه کند و دوم اینکه او را به عذاب بکشاند. یکی از یاران ابلیس گفت من او را دچار آرزوها می کنم تا توبه او را به تاخیر بیندازم یعنی تسویف.

ما راجع به تسویف صحبت کردیم اما راجع به آمال کمی صحبت کنیم که یکی از مظاهر ضد عقل است و منشأ شیطانی دارد. لذا در آیه 64 سوره مبارکه اسراء وقتی ابلیس اسباب گمراه کردن را بیان می کند سبب چهارم را همین وعده دادن و آمال قرار میدهد.

نکته اول اینکه اصل انتظار و رجاء و همت بلند داشتن مطلوب است و در شریعت بالمعنی اعم اینکه انسان منتظر سلوک و رسیدن به مقامات بلند معرفتی باشد و منتظر حضرت حجت باشد و رجائش بر خوفش غلبه کند و اهل همت بلند باشد و به چیزهای پایین قانع نباشد نه فقط یک ارزش اسلامی و شرعی است بلکه یک ارزش انسانی است لذا همه عقلا همت بلند را می ستایند. اما باید مراقب بود که این همت بلند مدیریت شود و این همت بلند با آمال خلط نشود.

در روایات ما در بحث آرزوهای بلند خیلی تراث وارد شده است و بسیار ملامت شده است. در روایتی است که شیخ عباس قمی در سفینه البحار نقل می کند که جناب اسامه بن یزید کنیزی خرید به مبلغ صد دینار که تا یک ماه دیگر مبلغ را پرداخت کند. این مساله به گوش پیامبر رسید. ایشان فرمود ألا تعجبون من اسامة المشتري الى شهر ان الأسماء لطويل الأمل. لذا پیامبر ص در روایت دیگری فرمودند: و الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، مَا طَرَفْتُ عَيْنَايَ إِلَّا ظَنَنْتُ أَنْ شَفْرِي لَا يَلْتَقِيَانِ حَتَّى يَقْبِضَ اللَّهُ رُوحِي. مرحوم ملا محمد مهدی نراقی کتابی دارد به اسم جامع السعادات و ملا احمد نراقی فرزند ایشان صاحب معراج السعادة هستند. مرحوم نراقی در جامع السعادات از پیامبر نقل می کند که خود را از مردگان به شمار آورید یعنی همیشه آماده مرگ باشید. ان شاء الله بتوانیم بین رجاء و همت بلند با طویل الأمل نشدن جمع کنیم.

.....

ما در ساختار اولیه بیان کردیم که در ابتدای بحث علم اصول به سه مساله می پردازیم: مساله اول راجع به علم اصول، تعریف و منزلت و تاریخ آن است. مساله دوم راجع به اصول فقه، تجدید الهیکلیة و توسعه النطاق بود. و مساله سوم مبادی تصویری علم اصول بود. یعنی مفهوم شناسی واژگان پرکاربرد در علم اصول. که از حکم و مراحل و اقسام آن و... سخن گفتیم. راجع به مبادی تصویری علم دو تفسیر وجود دارد: یک تفسیر می گوید هر چه به فهم بهتر مسائل یک علم کمک کند از مبادی تصویری آن علم می شود. اگر این تفسیر را پذیرفتیم این بحثی که الان قصد ورود به آن را داریم از مبادی تصویری علم اصول است.

اما تفسیر دوم می گوید که نباید تا این حد مبادی تصویری علم را توسعه داد. بلکه مبادی تصویری یک علم یعنی مفهوم شناسی.

اگر این تفسیر را پذیرفتیم این بحثی که قصد ورود به آن را داریم مفهوم شناسی نیست و از مبادی تصویری حساب نمی شود. ما مساله جدید را تحت مساله چهارم یعنی فارغ از مبادی تصویری علم اصول بررسی می کنیم و بسیار حائز اهمیت است و در کتب اصولی به صورت پراکنده و بدون ردیف بودجه است.

مساله چهارم: آیا احکام شریعت مطهر تابع مصلحت و مفسده است؟ به عبارت دیگر اگر چیزی واجب شده است بنا بر مصلحتی واجب شده؟ یا چیزی که حرام اعلام شده چون مفسده داشته حرام شده؟ لذا سوال اینجاست که آیا احکام تابع مصالح و مفاصد پیشین است - یعنی نه اینکه شارع خودش مصلحت و مفسده تولید کند - و اگر تابع است ما می توانیم این مصالح و مفاصد را بفهمیم؟ چون ممکن است کسی بگوید احکام تابع مصالح و مفاصد است اما ما آن را اصلا نمی فهمیم. ما در فقه و مصلحت و در فقه و عقل به این مساله پرداخته ایم در مقالاتی در مجله فقه و حقوق هم این مساله را شرح داده ایم. ثمره این مساله در جای جای فقه مثل بحث اجزاء و اصول علمیه و اجرای شریعت و ... خود را نشان می دهد. اساسا اینگونه مسائل برای فقیه یک دیدگاه درست می کند. دیدگاه فقیهی که می گوید احکام تابع مصالح و مفاصد نیست مانند اشاعره با فقیهی که می گوید احکام تابع مصالح و مفاصد است اولی در اجرای برائت به راحتی اجرای برائت می کند و اگر کسی بگوید با اجرای برائت مصلحت فوت می شود او می گوید چه مصلحتی؟ کی گفته که احکام تابع مصالح و مفاصد است؟ اما دومی می گوید اگر تفویض مصلحت باشد نمی توان در شبهات موضوعیه برائت را جاری کرد. یا به راحتی نمی تواند بگوید. در بحث امارات که اگر شارع می خواهد اماره ای جعل کند بحث مصلحت چه می شود؟ اگر کسی قائل به تبعیت نباشد راحت است. در بحث اجزاء جایی که مکلف اشتباه عمل می کند بعد متوجه می شود قائل به تبعیت مشکل پیدا می کند و قائل به عدم تبعیت مشکل ندارد.

لذا مساله مساله دیدگاه ساز است و بسیار مهم است.

خلاصه بحث: دو دیدگاه وجود دارد یکی می گوید که احکام تابع مصالح و مفاصد است و دیگر می گوید تبعیتی وجود ندارد. از قائلان به تبعیت احکام گروهی می گویند ما قادر به فهم برخی از این مصالح و مفاصد هستیم و برخی در عین اعتقاد به تبعیت احکام از مصالح و مفاصد قائلند که ما قادر به فهم این مصالح و مفاصد نیستیم.